

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكذِّبُ بِالْإِيمَانِ ﴿ ۲ ﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿ ۳ ﴾
 ﴿ ۴ ﴾ وَ لَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿ ۵ ﴾ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿ ۶ ﴾
 الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿ ۷ ﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

(۱) آیا کسی که قیامت را انکار می‌کند دیده‌ای؟ (۲) او همان کسی است که یتیم را با خشونت می‌راند. (۳) و دیگران را بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کند. (۴) پس وای به حال نمازگزاران. (۵) آنان که از نمازشان غافلند. (۶) آنان که پیوسته ریا می‌کنند. (۷) و از دادن زکات (و وسایل ضروری زندگی) باز می‌دارند.

نکته‌ها:

- این سوره سیمای افراد منفی را معرفی می‌کند:
- کسانی که نسبت به دین، دیدگاه منفی دارند. ﴿يُكذِّبُ بِالْإِيمَانِ﴾
- نسبت به یتیم و مسکین منفی هستند و آنان را طرد می‌کنند. ﴿يَدْعُ الْيَتِيمَ وَ لَا يَحْضُ﴾
- در عبادت و نماز منفی هستند و اخلاص ندارند. ﴿سَاهُونَ - يراءون﴾
- در خدمت به مردم منفی هستند. ﴿يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾
- مراد از «دین» در اینجا روز قیامت است، مانند ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾
- «دَعَّ» راندن همراه با خشونت و «حَضَّ» تشویق و ترغیب دیگران است.
- مراد از تکذیب دین و معاد در این سوره، تکذیب قلبی است، نه قولی؛ زیرا مخاطب

سوره، کسانی هستند که نماز می‌خوانند ولی نمازشان همراه با ریا و خودنمایی و سهو و غفلت است.

□ «ماعون» از «معن» به معنای ابزار و وسایلی است که معمولاً همسایگان به یکدیگر عاریه می‌دهند تا آنکه نیازشان برطرف شود. مثل ظروف غذاخوری در مهمانی‌ها.

□ دین یک مجموعه به هم پیوسته است. نمازش از اطعام مسکین و رسیدگی به محرومین جدا نیست.

□ در روایات، «ساهون» به معنای سستی، ترک و ضایع کردن نماز آمده است.^(۱)

□ حساب حضور در نماز جماعت، به خاطر حفظ شعائر الهی، از حساب ریا و خودنمایی به خاطر اهداف نفسانی جداست.

□ در حدیث می‌خوانیم: کسی که از دادن لوازم منزل خود به همسایگان دریغ ورزد، خدا روز قیامت لطف خود را نسبت به او دریغ خواهد کرد.^(۲) البته در حدیث دیگری می‌خوانیم که پرسیدند: ما همسایگانی داریم که هرگاه وسائلی به آنان عاریه می‌دهیم، می‌شکنند یا خراب می‌کنند، آیا گناه است که به آنان ندهیم؟ حضرت فرمود: در این صورت مانعی ندارد.^(۳)

□ در حدیث می‌خوانیم: هر کس به اوقات نماز بی‌اعتنائی کند و نماز را در اول وقت نخواند، ویل دارد.^(۴)

□ امام صادق علیه السلام فرمودند: ماعون، شامل قرض الحسنه و هر کار نیک درباره دیگران و در اختیار قرار دادن وسایل خانه و از جمله زکات است.^(۵)

□ سنگدلی انسان به جائی می‌رسد که:

نسبت به سخت‌ترین نوع فقر که مسکین است.

نسبت به ضروری‌ترین نیاز که خوراک است.

آن هم به مقدار مصرف نه ذخیره.

نه خود اقدامی می‌کند و نه دیگران را تشویق می‌کند.

۳. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر کنزالدقائق.

۱. تفسیر نورالثقلین.

۵. کافی، ج ۳، ص ۴۹۹.

۴. تفسیر نورالثقلین.

نگاهی به مسئله ریا

ریا و سُمعه دو خطر و آفت بزرگ هستند که افراد مؤمن را تهدید می‌کند. ریا آن است که انسان کاری را برای دیدن مردم انجام دهد و سُمعه آن است که کاری را بجا آورد و هدفش آن باشد که کارش به گوش مردم برسد. این دو کار از نشانه‌های نفاق است. چنانکه قرآن درباره منافقان می‌فرماید: «إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ»^(۱) چون به نماز می‌ایستند، نمازشان با کسالت و ریاکاری است، همان گونه که به دیگران کمک نمی‌کنند مگر در حال کراهت و نارضایتی. «و لَا يَنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ»^(۲)

بر اساس روایات، ریاکار ظاهری زیبا و باطنی مریض دارد؛ در ظاهر اهل خشوع و تواضع است، ولی در باطن دست از گناه بر نمی‌دارد. او در ظاهر گوسفند و در باطن گرگ است. به جای آنکه از دنیا آخرت را بدست آورد، از آخرت به سراغ دنیا می‌رود و از پرده‌پوشی خداوند سوء استفاده کرده و گناه می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: سخت‌ترین عذاب‌ها برای کسی است که مردم در او خیر ببینند در حالی که در او خیری نیست. فرشتگان اعمال برخی انسان‌ها را بالا می‌برند، ولی خطاب می‌رسد: هدفش خدا نبوده است، آن را برگردانید.

در فرهنگ اسلامی، ریا، نوعی شرک است و امام صادق علیه السلام درباره کسی که عمل نیکی انجام دهد، اما نه برای خدا، بلکه برای اینکه مردم بشنوند و او را ستایش کنند، فرمود: او مشرک است، سپس آیه «لَا يَشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^(۳) را تلاوت فرمود.^(۴)

علامت ریاکار آن است که اگر ستایش شود کار نیکش را توسعه می‌دهد و اگر ستایش نشود از کار خود می‌کاهد. ناگفته نماند که این همه توبیخ و انتقاد برای کسانی است که از ابتدا، کار را برای غیر خداوند انجام می‌دهند، ولی اگر انسان از آغاز هدفی جز خداوند نداشت، و مردم از کار او آگاه شدند، مانعی ندارد. امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ کس نیست مگر آنکه دوست دارد خوبی‌هایش در مردم ظاهر شود، به شرط آنکه از ابتدا نیت او مردم نباشد. «إِذَا لَمْ يَكُنْ صَنَعْ ذَلِكَ لَذَلِكَ»^(۵)

۱. نساء، ۱۴۳.

۲. توبه، ۵۴.

۳. کهف، ۱۱۰.

۴. کافی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۵. مجموعه روایات، از میزان الحکمة بحث ریا.

اخلاص

در برابر ریا و سمعه، اخلاص است که در حدیث می‌خوانیم: خداوند جز خالصان را نمی‌پذیرد ﴿إِلَّا لِلَّهِ الدِّينَ الخَالِصَ﴾^(۱) و هر کس چهل روز خود را خالص کند، چشمه‌های حکمت از قلب او به زبانش جاری می‌شود. «من اخلاص لله اربعین صباحاً ظهرت ینابیع الحکمة من قلبه الی لسانه»^(۲) و نشانه ایمان کامل آن است که حُب و بغض و بخشیدن و نبخشیدن برای خدا باشد و افضل عبادت اخلاص است و از فاطمه زهرا ع نقل شده که فرمود: «من أصعد الی الله خالص عبادته اهبط الله عزّ و جلّ افضل مصلحته»^(۳) هر کس عبادت خالص به درگاه خداوند فرستاد، خداوند بهترین مصلحت او را برایش نازل می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- تکذیب عملی قیامت از سوی اهل ایمان، امری شگفت‌آور و جای سؤال است. ﴿أرأیت الذی﴾
- ۲- طرد یتیم انسان را از خدا دور می‌کند. ﴿یکذب بالذین... یدع الیتیم﴾
- ۳- نشانه ایمان، یتیم نوازی و توجه به گرسنگان و محرومان است و هر کس بی‌توجه باشد بی‌دین است. ﴿یکذب بالذین... یدع الیتیم﴾
- ۴- میان عقیده و عمل رابطه تنگاتنگ است. (مسائل جزئی مثل طرد یتیم را جزئی نگیرید که گاهی از مسائل مهمی مثل تکذیب دین خبر می‌دهد). ﴿یکذب بالذین... یدع الیتیم﴾
- ۵- نیازهای عاطفی، مقدم بر نیازهای جسمی است. (اول محبت به یتیم، سپس سیر کردن مسکین) ﴿یدع الیتیم... طعام المسکین﴾
- ۶- هر نمازی ارزش ندارد و هر نمازگزاری بهشتی نیست. ﴿فویل للمصلین﴾
- ۷- سهو اگر برخاسته از تقصیر و بی‌اعتنائی باشد، سرزنش دارد. ﴿عن صلاتهم ساهون﴾

۱. زمر، ۳.

۲. جامع الاخبار، ص ۹۴.

۳. بحار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

- ۸- سهو در نماز قابل جبران و بخشش است ولی سهو از نماز، به معنای رها کردن آن، قابل بخشش نیست. ﴿عن صلاتهم﴾ (نه «فی صلاتهم»)
- ۹- خطر آنجاست که کار زشت سیره دائمی انسان شود. ﴿یکذب... یدع... لا یحصّ﴾ (قالب فعل مضارع بیانگر استمرار کار است)
- ۱۰- اخلاص، شرط قبولی نماز و عبادت است. ﴿فویل للمصلین الذین... یراءون﴾
- ۱۱- اطعام فقرا مخصوص توانگران نیست، همه وظیفه دارند، گرچه از طریق تحریک و تشویق دیگران باشد. ﴿لا یحصّ علی طعام المسکین﴾
- ۱۲- کسی که گاهی از نماز غافل می شود، مشمول ویل است، پس وضع تارکان دائم نماز چیست! ﴿فویل للمصلین... عن صلاتهم ساهون﴾
- ۱۳- بی تفاوتی نسبت به نیازهای ضروری مردم کیفر دارد. ﴿فویل للمصلین... ینعون الماعون﴾
- ۱۴- خدمت به مردم در کنار نماز است. ﴿فویل للمصلین... ینعون الماعون﴾
- ۱۵- غفلت از نماز، بستر غفلت از مردم است. ﴿عن صلواتهم ساهون... ینعون الماعون﴾
- ۱۶- بی اعتنائی به گرسنگان، نشانه بی اعتقادی به قیامت است. ﴿یکذب بالذین... و لا یحصّ علی طعام المسکین﴾^(۱)
- ۱۷- سهو از اصل و حقیقت نماز مهم است، نه از تعداد رکعات که گاهی عارض می شود و قابل جبران است. ﴿عن صلاتهم ساهون﴾
- ۱۸- افرادی که از خدا جدا شوند، به دنبال کسب جایگاهی در نزد دیگران با ریا کاری هستند. ﴿یکذب... یراءون﴾
- ۱۹- بخل، ویژگی منکران معاد است، که حتی از عاریه دادن چیزهای کوچک و ناچیز بخل می ورزند. ﴿یکذب... ینعون الماعون﴾
- «والحمد لله رب العالمین»